



دانشگاه سیام نور

آداب معنوی در هنرهای سنتی

دکتر الیاس صفاران نسرين فرهی

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پر بار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز از این وضعیت بارها اظهار گله و ناخشنودی نموده‌اند.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان، تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب

پیشگفتار	نه
مقدمه	یازده
فصل اول. تعاریف و مفاهیم مرتبط با آداب معنوی در هنرهای سنتی	۱
هدف کلی	۱
هدف‌های یادگیری	۱
۱-۱ هنر	۱
۲-۱ معنی و مفهوم واژه هنر	۲
۳-۱ تقسیم‌بندی هنر	۳
۳-۱-۳ هنرهای کاربردی	۳
۳-۱-۲ هنرهای زیبا	۴
۴-۱ سنت چیست؟	۷
۴-۱-۱ مفهوم سنت	۸
۴-۱-۲ مفهوم سنت در اسلام	۹
۵-۱ تحلیل مفهوم زیبایی از منظر سنت عرفانی	۱۰
۶-۱ مفهوم هنرهای سنتی	۱۲
۶-۱-۱ هنر سنتی	۱۲
۷-۱ شاخص‌های اصلی یک اثر هنری سنتی	۱۶
خلاصه فصل اول	۱۸
خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل اول	۱۸
فصل دوم. معنویت در هنرهای سنتی	۲۱
هدف کلی	۲۱

۲۱	هدف‌های یادگیری.....
۲۱	۱-۲ مفهوم هنر و دین.....
۲۲	۱-۱-۲ نسبت میان دین و هنر.....
۳۱	۲-۱-۲ هنر برای دین یا دین برای هنر؟.....
۳۹	۳-۱-۲ شباهت‌های میان معرفت دینی و معرفت هنری.....
۴۱	۲-۲ هنر دینی - قدسی.....
۴۳	۳-۲ هنر دینی و هنر غیردینی.....
۴۵	۴-۲ ناهمانندی‌های دین و هنر.....
۴۶	۵-۲ همانندی‌های دین و هنر.....
۴۹	۶-۲ رابطه دین و هنر.....
۵۰	خلاصه فصل دوم.....
۵۱	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دوم.....
۵۵	فصل سوم. ماهیت هنر اسلامی و تجلی آن در شکل‌گیری آداب معنوی.....
۵۵	هدف کلی.....
۵۵	هدف‌های یادگیری.....
۵۵	۱-۳ هنرهای اسلامی.....
۵۹	۱-۱-۳ مفهوم هنرهای اسلامی.....
۶۴	۲-۱-۳ آداب معنوی و سمبولیسم در هنر اسلامی.....
۶۶	۲-۳ هنر در جامعه اسلامی.....
۶۸	۳-۳ هویت در هنر اسلامی.....
۷۰	۴-۳ ماهیت و هویت هنر اسلامی و ممیزات آن.....
۷۱	۵-۳ دیدگاه‌های برخی اندیشمندان اسلامی درباره هنر.....
۷۵	۶-۳ روح هنر اسلامی.....
۷۶	۷-۳ ثمره معرفت الهی.....
۷۶	۸-۳ حس عبودیت نقطه حرکت هنرمند.....
۷۷	خلاصه فصل سوم.....
۷۸	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل سوم.....
۸۱	فصل چهارم. آداب معنوی در هنرهای سنتی اسلامی.....
۸۱	هدف کلی.....
۸۱	هدف‌های یادگیری.....
۸۱	۱-۴ ریشه‌های معنویت و معرفت در هنرهای سنتی.....
۸۲	۲-۴ مبانی انسان‌شناسی اخلاق حرفه‌ای و آداب معنوی هنر اسلامی.....
۸۲	۱-۲-۴ اخلاق کاربردی.....
۸۲	۲-۲-۴ اخلاق حرفه‌ای.....

۳-۲-۴	ادب و آداب	۸۳
۳-۴	معنای اخلاق حرفه‌ای و آداب معنوی در هنرهای اسلامی	۸۵
۴-۴	چهارده اصل از اصول اخلاق حرفه‌ای و آداب معنوی هنرهای اسلامی	۸۶
۵-۴	دیدگاه متفکران و هنرمندان اسلامی ایرانی نسبت به اخلاق و هنر	۹۰
۶-۴	هنر و اخلاق	۹۳
۱-۶-۴	هنر اخلاقی	۱۰۲
۲-۶-۴	وجوه اخلاقی شدن هنر	۱۰۳
۳-۶-۴	نقش اخلاقی هنر در تعالی فرهنگی	۱۰۴
۴-۶-۴	نقش هنر در تعالی فرهنگی	۱۰۸
۵-۶-۴	هنر و انحطاط اخلاقی	۱۰۹
۷-۴	اخوان الصفا و رسائل آنان	۱۰۹
۸-۴	فتوت‌نامه‌ها	۱۱۱
۹-۴	آیین فتوت	۱۱۱
۱۰-۴	شرایط و آداب فتوت	۱۱۳
۱-۱۰-۴	حقیقت تربیت و آداب آن	۱۱۳
۲-۱۰-۴	تربیت و فتوت‌نامه‌ها	۱۲۱
۱۱-۴	فتوت‌نامه‌ها و اصناف	۱۲۲
۱-۱۱-۴	فتوت‌نامه‌ی اصناف و آموزش اخلاقی	۱۲۴
۱۲-۴	کار در فتوت‌نامه‌ها	۱۲۶
۱۳-۴	مروری بر فنیان و فتوت‌نامه‌ها	۱۳۱
۱۴-۴	معرفی برخی فتوت‌نامه‌ها و دیگر کتب و رسالات مهم آموزشی	۱۳۲
۱۵-۴	مهم‌ترین کتاب‌ها با مضمون فتوت	۱۳۲
۱-۱۵-۴	فتوت‌نامه‌ی نجم‌الدین زرکوب	۱۳۵
۲-۱۵-۴	فتوت‌نامه‌ی میر سید علی همدانی	۱۳۶
۳-۱۵-۴	فتوت‌نامه‌ی سلطانی	۱۳۷
۱۶-۴	دیدگاه کلی	۱۳۹
۱۷-۴	شرح حمالان از کتاب فتوت‌نامه‌ی سلطانی	۱۳۹
۱۸-۴	فتوت از منظر عرفانی و تاریخی	۱۴۱
۱۹-۴	تبیین ریشه‌های جوانمردی در فرهنگ اسلامی	۱۴۲
۲۰-۴	دلایل شکل‌گیری آداب معنوی در هنر	۱۴۳
۲۱-۴	نقش آداب در مرزگذاری میان بدعت و سنت	۱۴۴
۲۲-۴	آداب معنوی در هنرهای سنتی	۱۴۵
۲۳-۴	اخلاق و ابزار هنری	۱۴۶
۱-۲۳-۴	حرمت ابزار هنری	۱۴۷
۲-۲۳-۴	الزامات کار و ابزار هنری در هنر دینی	۱۴۸
۳-۲۳-۴	معنویت ابزار در هنر اسلامی	۱۵۳

۱۵۴	 ۲۴-۴ اجازه‌نامه یا اذن‌نامه در قلمرو هنر خوشنویسی
۱۶۰	 ۲۵-۴ قلمکاری و آداب آن
۱۶۲	 ۲۶-۴ رعایت آداب معنوی در موسیقی
۱۶۵	 ۲۷-۴ در آداب مجالس و محافل
۱۶۷	 ۲۸-۴ آداب خنیاگری
۱۶۹	 ۱-۲۸-۴ در آنکه مباشران این فن چگونه آداب مجالس رعایت کنند
۱۷۰	 ۲-۲۸-۴ در سلوک صاحب این فن شریف
۱۷۲	 ۳-۲۸-۴ در آداب سازنده و اهل این فن و حسن سلوک این طایفه
۱۷۲	 خلاصه فصل چهارم
۱۷۴	 خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل چهارم
۱۷۷	 پاسخنامه خودآزمایی‌های چهارگزینه‌ای
۱۷۹	 منابع

پیشگفتار

هنر حقیقی و اصیل، تجلی روحانیت و معنویت بر ماده است و یک هنرمند، با اعتقاد بر این اصل، اندیشه، جهان‌بینی و سنت‌های آن قوم را در اثرش بازگو می‌کند. هرچه بنیادهای فرهنگی ملتی، استوارتر و ریشه‌دارتر باشد، تجلیات هنری آن ملت هم پایدارتر و پرمعناتر خواهد بود و ایران که نژادها، مذاهب و تمدن‌های گوناگون را یکی پس از دیگری پذیرا بوده و خود با تمدنی بزرگ زیسته، تجلیگاه هنرها و اعتقادات اصیلی است که هنرمندانش با حفظ و نگهداری آن‌ها به‌نحو احسن، همیشه سعی در آموزش فرهنگ و اخلاق هنری به‌آیندگان و دانش‌آموختگان‌شان داشته‌اند.

به‌این دلیل امروزه ایرانیان، به‌هنرمندان پیشین خود افتخار می‌کنند و اغلب محققین در آن‌سوی مرزها به‌راز و رمزهای فرهنگ و تمدن ایران علاقه دارند و هنر سستی ایران را بالارزش و گران‌بها می‌دانند.

درگذشته اغلب کارگاه‌های هنری، درواقع آموزشگاه‌هایی بوده‌اند که استاد افزون‌بر آموزش درس‌ها و نکات هنری، از آموزش اخلاق، دین، سنت‌های اصیل و فرهنگ‌های بومی به‌شاگردانش غافل نبوده‌است. حضور معنویات در آن محیط، موجب ساخت آثاری می‌شد که پس از اتمام کار، بینندگان را ساعت‌ها خیره‌می‌کرد و این حس، در بیشتر رشته‌های هنری مثل معماری، صنایع دستی، فرش و ... به‌خوبی قابل مشاهده است.

در این گونه آفرینش‌های هنری، اعتقاد، بینش و به‌کارگیری سنت‌های ویژه هنری، از تعلیم و تعلم بین استاد و شاگرد گرفته تا آماده‌سازی ابزار، وسایل، مصالح کار و ساخت اثر هنری، جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند که لازمه کار، به‌منظور سیر انسان به سمت کمال و آگاهی بوده‌است.

مقدمه

کتاب آداب معنوی در هنرهای سنتی، در ۴ فصل تنظیم و هر فصل، با توجه به لزوم توضیحات کامل‌تر، به چند زیرمجموعه تقسیم شده و به شرح مطالب عنوان شده پرداخته است. این کتاب با توجه به سرفصل مصوب و شیوه‌های نوین آموزشی مورد نظر دانشگاه پیام نور و با هدف آشنایی با آداب معنوی و تأثیر آن در هنرهای سنتی، محورهای کلی این موضوع را مورد بررسی قرار داده است.

در این کتاب، آداب معنوی و رعایت آن‌ها در هنرهای سنتی بررسی می‌شود. هدف از تهیه مطالب پیشرو، آشنایی دانشجویان عزیز با آداب معنوی و تأثیر آن بر هنرهای سنتی است که در چهار فصل گردآوری شده است و هر فصل آن، به شرح ذیل خواهد بود:

فصل اول به تعاریفی از هنر، مفهوم سنت، سنت اسلامی، عرفانی و هنرهای سنتی پرداخته است.

در فصل دوم مفاهیم هنر دینی و هنر غیردینی مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل سوم هنرهای اسلامی، هویت هنر اسلامی و دیدگاه اندیشمندان به این مقوله شرح داده شده است.

در فصل چهارم آداب معنوی در هنرهای سنتی، ریشه‌های معنویت و معرفت در هنرهای سنتی، اخلاق هنری و حرفه‌ای، نقش اخلاق در تعالی آثار هنری، فتوت‌نامه‌ها، ریشه‌های جوانمردی در فرهنگ اسلامی و نقش آداب و ادب در قلمرو هنر بیان شده است.

الیاس صفاران- نسرین فرهی

فصل اول

تعاریف و مفاهیم مرتبط با آداب معنوی در هنرهای سنتی

هدف کلی

آشنایی با مفاهیم آداب معنوی در هنرهای سنتی

هدف‌های یادگیری

از دانشجو انتظار می‌رود پس از مطالعه این فصل بتواند:

۱. مفهوم هنر را شرح دهد.
۲. مفهوم سنت را بیان کند.
۳. مفهوم هنرهای سنتی و انواع آن را بیان کند.
۴. مفاهیم مرتبط با آداب معنوی را توضیح دهد.
۵. تحلیل مفهوم زیبایی از منظر سنت عرفانی را بیان کند.

۱-۱ هنر

هنر مجموعه‌ای از آثار یا فرایندهای ساخت انسان است که به منظور اثرگذاری بر عواطف، احساسات و هوش انسانی یا به منظور انتقال یک معنا یا مفهوم، خلق می‌شوند. هنر، تجلی جلوه‌های آسمانی و افلاکی را به ذهن، متبادرمی‌کند و دارای اصالتی پاک و همزاد با زیبایی است، بدین معنا که هنر اگر جز این باشد، ذاتاً هنر نیست.

هنر، همزاد با فطرت پاک و پیراسته آدمی است؛ بدین معنا که هنر، استعداد ذاتی انسان است و نیازمند بروز و ظهور، اما کیفیت نمودارشدن آن در افراد، متفاوت است و هرگاه در هرکسی به ظهور برسد آن شخص به دلیل بازیابی هویت الهی و سیرت افلاکی خویش، از عوالم بالا به سرای خاک می‌نگرد.

هنر، برآمده از سرشت انسانی و نفخه روح خدایی انسان است و مهم‌ترین غایت آن، کسب ارزش‌های انسانی و آرمان‌های الهی اوست. این نحوه سیر تکاملی، گویای رهیابی به کمال مطلق و جمال برین و نشانه‌ای از تعالی روح و اندیشه آدمی است و با آیین رویکرد رابطه تنگاتنگ هنر با دین، از آغاز تا انتها مشهود و آشکار می‌شود. برخی از هنرها افزون‌براینکه قدرت خلاقه‌ای از تمدن و فرهنگ اسلامی را به نمایش می‌گذارند، راهی به جانب خداجویی و خدانشناسی‌اند و نمادهای بصری را به گونه‌های مختلف و متنوع برای ترسیم اجزاء و عناصر مکتب توحیدی نشان می‌دهند. از سوی دیگر، هر پدیده هنری در تاریخ اسلام، خود دریچه‌ای برای خلق آثار دیگر و گسترش قلمرو هنر اسلامی در حوزه‌های گوناگون بوده است. نگاه هنرمند اسلامی به ساحت هنر، نگاهی آسمانی و ماورایی بوده، که براساس آن پیامدهای متعالی و روبه‌رشد در فضای جامعه تحقق یافته است.

بنابراین مفهوم هنر در تفکر اسلامی، موضوعی فراتر از مبانی نهضت‌های برگرفته از اصول و قوانین ماهوی هنر مادی است. در بررسی اقسام هنرهای موجود، می‌توان به مهم‌ترین آن‌ها مثل نقاشی، طراحی، خوشنویسی، گرافیک، مجسمه‌سازی، عکاسی، چاپ، تئاتر، موسیقی، ادبیات (شعر و داستان)، سینما و معماری اشاره کرد.

با توجه به دیدگاه‌های متفاوت افراد مختلف به هنر، برداشت‌های آن‌ها از مفهوم هنر و معیارهایی که برای این آثار در نظر می‌گیرند، بسیار متفاوت است. برای مثال در گذشته، ویژگی‌هایی چون زیبایی، الهام، مهارت و استادی، شبیه‌سازی یا بازنمایی طبیعت و ... به عنوان ویژگی‌های یک اثر هنری، مورد توجه بودند، اما امروزه مهم‌ترین ویژگی‌ای که هنرمندان معاصر برای یک اثر هنری در نظر گرفته‌اند، نوگرایی و نوآوری است. به طوری که دوباره نقاش فرانسوی، می‌گوید: «گوهر هنر، تازگی یا بدیع‌بودن است» (اسوالد هنفلینگ، ۱۳۸۴: ۵).

۲-۱ معنی و مفهوم واژه هنر

واژه هنر در زبان سانسکریت، ترکیبی از دو کلمه سو به معنی نیک و نر یا نره به معنای زن و مرد است. در زبان اوستایی، حروف «سین» به «ها» تبدیل و واژه هونر، ایجادشده که در

زبان پهلوی یا فارسی میانه، به شکل امروزی (هنر) درآمده، به معنای انسان کامل و فرزانه است. در ادبیات ایران و دوره اسلامی، این معنا دوباره دگرگون شد و هنر، به معنای کمال، فضیلت، هوشیاری، فضل، تقوا، دانش، کیاست و ... به کاررفت که دارای بار معنایی عام بود: قلندران طریقت به نیم جو نخرند
قبای اطلس آن کس که از هنر عاری است
«حافظ»

۳-۱ تقسیم بندی هنر

تقسیم بندی های هنر، متنوع است. یکی از این تقسیم بندی ها در حالت کلی آثار هنری را به دو دسته هنرهای کاربردی و هنرهای زیبا تقسیم می کند:

۱-۳-۱ هنرهای کاربردی

منظور هنرهایی است که نخست، کارکرد و سودمندی آنها اهمیت دارد و هدف از خلقشان، کاربردشان بوده است. این مقوله، همه فعالیت هایی را که مستلزم کاربرد طراحی و نقش های زیبایی شناختی در اشیاء کارکردی روزمره است دربرمی گیرد. درحالی که هنر زیبا به بیننده انگیزش عقلی می دهد، هنر کاربردی، اشیاء سودمند و عملی (فنجان، نیمکت، ساعت، میز و صندلی) می آفریند که با استفاده از اصول زیبایی شناختی در طراحی آنها هنر عامه / هنر قومی به شکل غالبی با این نوع از فعالیت خلاق، درگیر است.

هنر معماری، هنرهای رایانه ای، عکاسی، طراحی صنعتی، طراحی گرافیکی، طراحی مُد، طراحی داخلی و همچنین هنرهای تزئینی و «صنایع دستی» از مهم ترین هنرهای کاربردی اند (شکل ۱-۱ و ۲-۱).



شکل ۱-۱. بخشی از کاشی هفت رنگ، منظره سازی در کاشی های قاجاری. استفاده از طلا برای تهیه رنگ قرمز، مسجد نصیرالملک شیراز (منبع: کتاب هنرهای کاربردی دوره اسلامی، دکتر رسول موسوی حاجی، مازیار نیکبر)



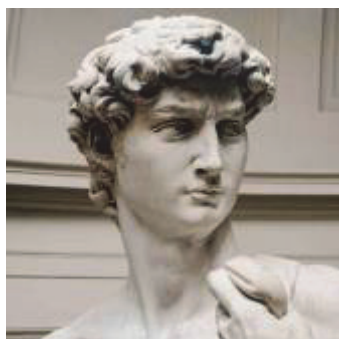
شکل ۱-۲. تنگ میناکاری، غلامحسین فیض‌اللهی. ارتفاع ۴۲ سانتی‌متر (منبع: سیری در صنایع دستی ایران، Arthur Upham Pope).

۱-۳-۲ هنرهای زیبا

منظور هنرهایی است که تنها به دلیل زیبابودنشان خلق شده‌اند. به عبارتی «نه به دلیل چیزی دیگر، بلکه به سبب خودشان به وجود آمده‌اند»؛ مانند نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی (شکل ۱-۳).



شکل ۱-۳. روزهای خوش‌فامیلی، نقاشی رنگ و روغن، اثر ادواردو زامپیگی، نقاش قرن نوزدهم ایتالیایی



شکل ۱-۴. مجسمه داود، اثر میکل آنژ (۱۵۰۴-۱۵۰۱)، گالری دل آکادمیا، فلورانس

این دسته، شامل آن آثار هنری می‌شود که در درجه اول، به دلایل زیبایی‌شناختی «هنر برای هنر» آفریده می‌شوند، نه برای مصارف تجاری یا کاربردی (شکل ۱-۴). امروزه واژه هنر در زبان فارسی، در معنایی متفاوت با گذشته به کار می‌رود و بیشتر منظور از آن، اشاره به نتیجه خلق انسان‌ها در زمینه هنرهای زیباست. تقسیم‌بندی هنرهای زیبا برگرفته از کتاب چستی هنر (اسوالد هنفلینگ، ۱۳۸۴: ۱۱)

عبارت است از:

- موسیقی
- مجسمه‌سازی
- نقاشی
- شعر
- تئاتر

امروزه هنرهای زیبا را بدین گونه تعریف می‌کنند:

- موسیقی.
- هنرهای دستی. مجسمه‌سازی، شیشه‌گری و ...
- هنرهای ترسیمی. نقاشی، خطاطی، عکاسی و ...
- ادبیات. شعر، داستان، نمایشنامه، فیلمنامه و نثر
- معماری.
- حرکات نمایشی.
- هنرهای نمایشی. سینما، تئاتر

از وجوه مشترک آثار هنری، می‌توان تخیل را مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری اثر هنری دانست. این آثار بدون تفکر منطقی و عقلانی، از عاطفه و احساس هنرمند سرچشمه می‌گیرند و در آخر می‌توان به چند معنایی بودن آن‌ها اشاره کرد.

بیان این ویژگی‌های هنری، بدین معنی است که وقتی تخیل و عاطفه، عناصر اصلی و سازنده هر پدیده‌ای باشند، بی‌شک نمی‌تواند معنایی منجمد و تک‌بعدی را القاکند. از این رو هر کس که در برابر آثار هنری می‌ایستد، دریافت و استنباط خاصی دارد. این آثار به سادگی می‌توانند بیان‌کننده زیبایی یا احساسات باشند، بنابراین تأثیری که هنر بر روح انسان می‌گذارد تأثیری عمیق و ماندگار است.

اینجاست که جان معنا و مفهوم آفرینش هنری را درک می‌کنیم. اثر هنری را از آنجا بازمی‌شناسیم که هیچ فکری در ذهن بر نمی‌انگیزد و ما را به هیچ عملی ترغیب نمی‌کند که بتواند بدان پایان دهد. «هر اندازه عطر ملایم گلی که حس بویایی ما را برمی‌انگیزد بوییم، هرگز سیر نمی‌شویم، زیرا لذت از عطر، نیاز بدان را در ما از نو زنده می‌کند. هیچ خاطره، اندیشه و عملی وجود ندارد که بتواند اثر آن را از ذهن پاک کند و ما را به تمامی، از سیطره آن رهایی دهد. این همان چیزی است که هنرمند در جست‌وجویش است تا به ساختن اثر هنری دست‌بزند» (ساعدی، ۱۳۵۲: ش ۲).

در تعریف مجتبی مطهری از هنر، مشاهده می‌شود که وی به زیبایی، اموری همچون اشراق و شهود را در دل آن جای داده است و هنر را امری معنوی می‌پندارد و توصیف خود را این‌گونه بیان می‌کند:

«در جهان هستی، امور معنوی قابل تعریف منطقی نیستند. برای درک امور ذوقی و روحی به ارائه تعریفی روشن، حقیقی، انتزاعی و منطقی نیاز نیست، تنها دریافت بی‌واسطه از آن‌ها مهم است. این موضوع تنها به هنر و زیبایی محدود نمی‌شود، بلکه بسیاری از معانی بسیط و مجرد مانند وجود، حکمت، علم، عرفان، ادب، محبت، عدالت را نیز در بر می‌گیرد. این تعاریف در محدوده و قالب علوم می‌گنجد و امور شهودی و ذوقی را شامل نمی‌شود. به همین دلیل است که ذات هنر در دنیای امروز، هنوز به عنوان پدیده‌ای اسرارآمیز در ابهام باقی مانده و تعریف جامع و گویایی از آن ارائه نشده است. گویی هنر مانند قله‌ای دست‌نیافتنی است که انسان، هرچه برای سلوک به آن تلاش به عمل می‌آورد، کمتر به کشف و شهود آن دسترسی پیدامی‌کند. هنر همچون سایر امور ذوقی و روحی از نظر منطقی ذاتاً قابل تعریف نیست، بلکه قابل توصیف است» (مطهری الهامی، ۱۳۸۶).

در انسان، گرایش به هنر، امری فطری است. از آنجا که در روح و روان آدمی، میل و کششی به امور لطیف نهاده شده است و سمت و سوی این کشش به خوبی ها و زیبایی هاست، بنابراین گرایش به جمال و زیبایی، چه به معنی زیبایی دوستی و چه به معنی زیبایی آفرینی که نامش «هنر» است، به معنی مطلق در فطرت انسان وجود دارد.

۱-۴ سنت چیست؟

«سنت^۱ در جهان فارسی‌زبانان و جهان زبان‌های اروپایی، دارای معانی متعددی است. از جمله این معانی می‌توان به عرف، عادت، رسم و مانند آن اشاره کرد. با توجه به معنای ریشه‌ای کلمه در زبان‌های اروپایی—که در این زبان‌ها به معنای انتقال^۲ است—فرزانگان مینوی خرد، بیان می‌کنند که مراد از آن، امری پایدار و قابل انتقال است، نه چیزی که در مقوله زمان، مشمول کهنگی، تغییر، تحول و تبدیل شود. از آنجا که اشیاء از وجه مادی خود همواره دستخوش دگرگونی، واژگونی و نابودی یا دچار تغیر، تبدل و تحول می‌شوند و در طول زمان به تدریج رو به زوال می‌روند، نمی‌توانند مصداق امری باشند که سنت، وظیفه انتقال آن را برعهده دارد، زیرا امر ناپایدار، شایستگی انتقال را به دست نمی‌آورد، اما اگر سنت، با پرهیز از چنین امری و پرهیز از همه عوارض ناشی از تبدلات و تحولات اشیاء، ناقل چیزی متفاوت از امور متبدل و متحول باشد، آن چیز چیست؟ سنت همان چیزی است که تمام امور و شئون انسان را با حقیقت الهی پیوند می‌زند.

سنت اگر در پیوند دائمی با مبدأ خود، به انتقال حقایق و اصول وحی شده الهی، چه در وجه باطنی و چه در وجه ظاهری آن نپردازد در حقیقت، ذات و بنیان خود را نفی کرده است. سنت وقتی قادر به انتقال یک صورت است که معنای آن صورت، همچون روحی، کالبد صورت را جان ببخشد و پویایی و استمرار آن را ضمانت کند. تنزیل سنت به مفهومی در مرتبه بشری حقیقت سنت نیست، بلکه برعکس، شرط وجود و قوام سنت این است که متضمن عنصری فوق بشری باشد؛ بنابراین تبیین سنت با عوامل صرفاً بشری، از حیث مکاتب روانی، اجتماعی و غیره، تبیینی راستین نیست» (ربیع، ۱۳۹۱: ۱۷۵-۱۸۲).

درباره شرح معنی سنت، دکتر بلخاری معتقد است: «سنت کلمه‌ای عربی است، ولی به این معنا نیست که هنر سنتی ما از سوی اعراب وارد ایران شده است. آنچه ما در رابطه با هنرهای سنتی می‌گوییم به گونه‌ای، تاریخ گذشته خود را بیان می‌کنیم که بخشی از آن اسلامی و بخش دیگر ایرانی است. کلمه «هنر» که از آیین گفتاری دوران پهلوی گرفته شده، از ایران باستان مانده است و ریشه در آن دوران دارد. در این باره باید گفت تقابل بین ایرانیت و اسلامیت بی‌معناست».

او همچنین در مورد هنرمند سنت‌گرا گفته است: «هنرمند سنتی، اثری را خلق نمی‌کند، بلکه آن را اظهار و افشامی‌کند، زیرا سنت مستمراً در جریان است و ساکن نیست. هنرمند، کاشف است و خود را بیان نمی‌کند، بلکه آثار پروردگار را بر بوم ظاهر می‌کند. در هنر سنتی، هنرمند ایستایی ندارد. تحول آن به معنای تداومی است که در کارش دارد و حرکت آن، حرکتی خطی نیست، بلکه دورانی است که در هر عصری از سنت، بازتولید می‌شود. هنرمند از عالم و جهان دیگری صحبت می‌کند که با مراقبه به آن رسیده است» (بلخاری، ۱۳۸۴).

۱-۴-۱ مفهوم سنت

سنت به یک معنی، انتقال معارف، آداب، فنون، قوانین، شرایع، قالب‌ها و بسیاری از عناصر دیگر را برعهده دارد که در ذات خود هم ملفوظاند و هم مکتوب. سنت، مجموعه حقایق و اصولی است که دارای منشأ الهی‌اند و به روش‌های گوناگون به واسطه پیامبران، انبیاء، قدیسان، اولیا، کلمه‌الله و سایر عوامل انتقال، بر ابنای بشر در یک منظومه کیهانی آشکار می‌شود؛ بنابراین با به‌کارگیری این اصول در حوزه‌های متعدد، اعم از ساختارهای اجتماعی، حقوق، هنر، رمزپردازی و علوم همراه با معرفت متعالی، وسایل تحصیل این معرفت را نیز شامل می‌شود.

درحقیقت، سنت شامل اصولی است که انسان را به عالم علوی پیوند می‌دهد که این اصول، به واسطه وحی در قالب دین ظاهر شده‌اند؛ بنابراین سنت، پیوندی استوار با وحی، دین، امر قدسی، راست‌کیشی و راست‌اندیشی، مرجعیت و ولایت، استمرار و انتظام در انتقال حقیقت، امر ظاهر، امر باطن و حیات معنوی، علم و هنرها دارد. این واژه، آن‌چنان‌که سنت‌گرایان آن را به‌کاربرده‌اند، متضمن دو مفهوم است: اول، امر مقدس، آن‌گونه که به واسطه وحی و انکشاف الهی، بر انسان عیان شده است. دوم، بسط

و گسترش آن پیام مقدس در طول تاریخ جامعه انسانی خاصی که این پیام برایش مقدر شده است (نصر، ۱۳۸۰).

بنابراین سنت، همانند درختی است که ریشه‌های آن به واسطه وحی، در ذات الهی جای دارد و تنه و شاخه‌هایش، طی اعصار متمادی از دل این ریشه‌ها نشو و نما یافته‌اند. در بطن درخت سنت، دین جای گرفته و عصاره حیات‌بخش این درخت، آن لطف یا برکتی است که چون خود از وحی سرچشمه می‌گیرد، تداوم حیات درخت سنت را امکان‌پذیر می‌کند.

۱-۴-۲ مفهوم سنت در اسلام

«سنت» در لغت، به معنای سیره، شیوه و روش است. در مفهوم اصطلاحی، به معنای قول، فعل و گفتار پیامبر یا معصومین (علیهم‌السلام)^۱ و بنابر نظر گروهی از علمای اهل سنت، قول، فعل و اقرار صحابه و تابعان است^۲ (پاکتچی، ۱۳۷۹: ۱۱۶).

با توجه به تعاریف خاص و به نسبت گسترده‌ای که صاحب‌نظران برای این واژه، قائل شده‌اند، عده‌ای سنت را در تقابل با تجدد می‌دانند. با این حال در یک تعریف جامع، «سنت» امری است که پیوند گذشته و اکنون را ممکن می‌سازد؛ بنابراین سنت را نمی‌توان در تقابل آشکار با هر امر نویی قرار داد (دین‌پرست، ۱۳۸۹).

بدعت در لغت، به معنای امر مستحدث و نوپیدا است، چنانکه در آیه «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۱ بدیع به معنای معنا به کار رفته است. در اصطلاح، به معنای برشمردن

۱. آیت‌الله شیخ جعفر سبحانی در کتاب الوسیط (اصول فقه) سنت را بر دو قسم می‌داند: گاهی سنت به معنای قول و فعل و تقریر معصوم است و گاهی به خبر (روایت) حاکی از قول و فعل و تقریر معصوم هم سنت می‌گویند.

۲. معنای سنت، نزد اهل سنت: در بین فرقه‌های اهل سنت، این اصطلاح دارای معانی مختلفی است. این اختلاف در برداشت از سنت را می‌توان از همان قرون اول مشاهده کرد. در دو قرن نخست، با روی کار آمدن دو فرقه از اهل سنت به نام‌های اصحاب اثر و اصحاب رأی، شاهد دو تفسیر متفاوت از اصطلاح سنت هستیم که البته تا به امروز به جا مانده است. نظر اصحاب اثر این بود که گفتار و کردار صحابه و تابعین هم می‌تواند آیین تمام‌نمای سنت نبوی باشد و به عنوان مرجعی برای شناخت دستورات شرعی، در کنار دیگر منابع به شمار آید. از مروجان این نظر می‌توان به بزرگانی چون مالک بن انس (متوفای ۱۷۹ ق)، در مکه عالمانی چون مسلم بن خالد زنجی (متوفای ۱۸۰ ق)، سفیان بن عیینه (متوفای ۱۹۸ ق) و عبدالله بن زبیر حمیدی (متوفای ۲۱۹ ق)، در شام ابو عمرو اوزاعی (متوفای ۱۵۷ ق)، در مصر لیث بن سعد (متوفای ۱۷۵ ق) و در بصره نیز، شعبه بن حجاج، حماد بن زید و یحیی بن سعید قطان اشاره کرد [۳] اما اصحاب رأی، برداشت خود از سنت را دشوار کردند و قائل بودند که سنت، بر پایه گفتار، کردار و اقرار پیامبر استوار است و قول صحابه هم اگر به قین بیانگر سنت رسول خدا است باید از آن پیروی شود، اما این نظر را درباره تابعین نداشتند.